

تأثیر کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی بر توسعه فرهنگی

محمد اسماعیل ریاحی

آشاره: آنچه در پی می‌آید ویراسته و ملخص یکی از محصولات تحقیقی معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. عنوان این پژوهش «توسعه فرهنگی و کتابخانه‌های عمومی» است که به سعی و اهتمام آقای اسماعیل ریاحی فراهم آمده است و در آن تأثیر کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی بر توسعه فرهنگی بازنموده شده است.

می‌رساند. این ارتباط اجزا که روی هم رفته ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای است که تغییر در کارکرد یا ساخت یک واحد اجتماعی باعث تغییر در ساخت کارکرد سایر واحدها می‌شود. با این وصف، می‌توان گفت که کتابخانه‌های عمومی در ارتباط متقابل با سایر اجزای جامعه بوده، از آنها تأثیر می‌پذیرند و بر آنها تأثیر می‌گذارند. برای کتابخانه‌ها دو کارکرد اساسی

با مطالعه جامعه و فرهنگ انسانی در می‌یابیم که کتابخانه‌ها در تمام ادوار و اعصار، بخشی از بافت و ساخت اجتماعی جامعه بوده‌اند. هر جامعه مجموعه‌ای از نهادها، سازمانها و مؤسساتی اجتماعی است که هر یک وظیفه و کارکردی معین دارد و با انجام دادن آن کارکرد، ضمن کمک به تداوم و بقای آن واحد اجتماعی که در آن فعالیت دارد، به دوام و بقای کل ساخت اجتماعی نیز مدد

کتابخانه عمومی را وسیله و ابزاری برای خدمت به اجتماع می‌دانند. پیشرفت شهروندان از طریق مطالعه، آن گونه که نقش مهمتری در جامعه به عهده گیرند، هدف و انگیزهٔ اساسی برپایی کتابخانه‌ها بوده است. اعتقاد بر این است که فرد کتاب خواننده، شهروندی بهتر و سرمایه‌ای ارزنده‌تر برای جامعه خواهد بود و ضمن رعایت هنجارهای فرهنگی جامعه، نقش مهمی در رشد و توسعه فرهنگی، علمی، اقتصادی و اجتماعی جوامع ایفا خواهد کرد.

با توجه به مطالب مذکور و نظر به ارتباط و تأثیر متقابل نهادها و سازمانهای اجتماعی، می‌توان گفت که بین اجزا و بخشهای فرهنگی هر جامعه، یعنی مطبوعات، کتاب، کتابخانه‌ها، رادیو، تلویزیون، سینما، موزه و...، ارتباط متقابل و پویایی وجود دارد، به گونه‌ای که این روابط متقابل ضمن ارتقا بخشیدن به سطح فرهنگی جامعه، به رشد و توسعه سایر بخشهای جامعه، نظیر بخش اقتصاد، سیاست، حقوق، خانواده و تعلیم و تربیت نیز مدد می‌رساند. بر این اساس، در مقاله حاضر سعی بر آن بوده تا میزان (چند و چون) روابط متقابل کتابخانه‌های عمومی (به عنوان یک مؤسسه فرهنگی و اجتماعی) با سایر عناصر و اجزای فرهنگ بررسی و بیان شود.

برمی‌شمرند: آموزش و سرگرمی. بسته به نوع کتابخانه‌ها، این کارکردها ممکن است دارای شدت یا ضعف باشد؛ چنان که در کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی، کارکرد اساسی، آموزش است؛ یعنی فراهم آوردن اسناد و مدارک مورد نیاز برای تأمین نیازهای علمی، پژوهشی و آموزشی مراجعان؛ در حالی که در کتابخانه‌های کودکان و عمومی، ممکن است کارکرد آموزش تحت الشعاع کارکرد سرگرمی و تفریح، البته نه به طور کامل، قرار گیرد.

اصولاً کارکردهای کتابخانه‌ها بیشتر در یک محیط پویا و دارای تحرک اجتماعی و اقتصادی شکل مطلوب و مفید به خود می‌گیرد، تا در محیطی ایستا و ساکن. به عبارت دیگر، پیشرفت یا رکود فرهنگی جوامع تأثیر بسزایی در رشد و توسعه کتابخانه‌ها داشته و دارد. از آنجا که تحولات فرهنگی از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر و از دوره‌ای به دوره دیگر یکسان نبوده، تحولات تاریخی توسعه کتابخانه‌ها نیز در مکانها و زمانهای گوناگون با شدت و ضعفی متفاوت صورت گرفته است.

در توضیح اهداف کتابخانه‌های عمومی باید گفت که در بنیاد و اساس کتابخانه عمومی، هدف اجتماعی اهمیت اساسی دارد و مافوق همه چیز است. در واقع،



صد هزار نفر، در ترکیه $1/7$ برابر، در مکزیک ۳ برابر، در آلمان غربی ۲۲ برابر، و در دانمارک ۱۵۲ برابر ایران بوده است. روی هم رفته، وضعیت ایران از لحاظ تعداد کل کتابخانه‌های عمومی و تعداد آنها به ازای هر صد هزار نفر، $3/1$ درصد وضعیت میانگین کشورهای توسعه یافته بوده است.

۲. پایین بودن تعداد کتب موجود در کتابخانه‌های عمومی

تعداد کتب موجود در کتابخانه‌های عمومی ایران $8/5$ درصد ($\frac{1}{12}$) مقدار موجود در کشورهای توسعه یافته است. همچنین رقم تعداد کتاب به ازای هر هزار نفر در کتابخانه‌های عمومی ایران $37/1$ درصد ($\frac{1}{27}$) رقم موجود در کشورهای در حال توسعه و $2/3$ درصد ($\frac{1}{43}$) کشورهای توسعه یافته است.

به عبارت واضحتر، طبق آمار موجود طی سال $1368/1989$ ، در کتابخانه‌های عمومی ایران 3926000 جلد کتاب وجود داشته است که سهم هر هزار ایرانی از آنها ۷۲ جلد است. به عبارت دیگر، به ازای هر $13/8$ ایرانی یک جلد کتاب. این در حالی است که در کتابخانه‌های عمومی ترکیه و هنگ کنگ به ترتیب 7339000 و 3774000 جلد کتاب موجود بوده است؛ یعنی سهم هر هزار نفر از

اول: شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی ایران و سایر کشورها

۱. پایین بودن تعداد کتابخانه‌های عمومی در مقایسه با وضعیت کشورهای در حال توسعه و نیز توسعه یافته، تعداد کل کتابخانه‌ها و تعداد کتابخانه‌ها به ازای صد هزار نفر جمعیت، در ایران پایین است. طبق آمار موجود^۱ در سال $1368/1989$ ، در ایران ۵۰۱ واحد کتابخانه عمومی فعال بوده است؛ یعنی یک واحد کتابخانه برای هر 108189 نفر ایرانی. این در حالی است که کشورهای ترکیه و مکزیک در همین سال به ترتیب ۸۵۴ و ۲۲۶۹ واحد کتابخانه عمومی داشته‌اند؛ یعنی به ازای هر صد هزار نفر ترکیه‌ای و مکزیک‌ای به ترتیب $1/5$ و $2/7$ واحد کتابخانه عمومی؛ یا یک واحد کتابخانه برای 66441 نفر ترکیه‌ای و 37236 نفر مکزیک‌ای. همچنین در دانمارک و آلمان غربی به ترتیب 7054 و 12275 واحد کتابخانه عمومی دایر بوده^۲ که سهم هر صد هزار آلمانی و دانمارکی به ترتیب $19/8$ و $137/5$ واحد بوده است. بدین ترتیب، از لحاظ تعداد کل کتابخانه‌های عمومی، ترکیه $1/7$ برابر، مکزیک $4/5$ برابر، دانمارک ۱۴ برابر و آلمان غربی $24/5$ برابر ایران کتابخانه داشته‌اند و تعداد کتابخانه‌ها به ازای هر

بصری است. بر طبق آمار موجود در سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹، در ۵۰۱ واحد کتابخانه‌های عمومی ایران، فقط ۷۹ سند سمعی و بصری وجود داشته است؛ یعنی ۱۵/۰ سند برای هر صد هزار نفر جمعیت (۱۵/۰۰۰/۰ سند به ازای هر هزار نفر). این رقم نشان می‌دهد که اکثر کتابخانه‌های عمومی کشور هیچ گونه سند سمعی و بصری ندارند و فقط به ارائه مطالب در قالب کتابها و مطبوعات بسنده می‌کنند؛ اما این رقم در مکزیک ۱۵۲۴۲۲ سند (۱۸۰ سند به ازای هر صد هزار نفر) و در هنگ کنگ ۲۰۵۱۱۲ سند (۳۶۱۷ سند به ازای هر صد هزار نفر) بوده است. همچنین کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر انگلستان و فنلاند به ترتیب دارای ۵۴۷۱۰۰۰ و ۱۵۰۰۰۰۰ سند سمعی و بصری بوده‌اند؛ یعنی اینکه هر صد هزار انگلیسی و فنلاندی به ترتیب از ۱۰۰۳۰ و ۳۰۲۳۰ سند سمعی و بصری استفاده می‌کرده‌اند.^۴ روی هم رفته در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، رقم تعداد کل اسناد سمعی و بصری به ترتیب ۳۳۳ برابر و ۲۵۰۰۰ برابر ایران بوده است. همچنین رقم تعداد اسناد سمعی و بصری به ازای هر صد هزار نفر در کشورهای در حال توسعه ۲۰۰۰ برابر و در کشورهای توسعه یافته ۱۰۰۰۰۰ برابر مقدار موجود در ایران است.

اهالی ترکیه و هنگ کنگ به ترتیب ۱۲۹ جلد (۱/۸ برابر ایران) و ۶۶۵ جلد (۹/۲ برابر ایران) کتاب است. به همین ترتیب، کتابخانه‌های عمومی انگلستان و فنلاند به ترتیب ۱۵۶۷۰۰۰۰۰ (۴۰ برابر ایران) و ۳۴۹۰۰۰۰۰ (۹/۸ برابر ایران) جلد کتاب ذخیره کرده‌اند؛ یعنی به ازای هر هزار انگلیسی ۲۷۳۸ جلد (۳۸ برابر ایران) و هر هزار فنلاندی ۷۰۳۳ (۹۸ برابر ایران) جلد.

طبق استاندارد انجمن بین‌المللی کتابداری (ایفلا)، باید به ازای هر یک نفر ۲ جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی موجود باشد.^۲ بنابراین، جمعیت ۵۴ میلیونی ایران در سال ۱۳۶۸، به حداقل ۱۰۸۴۰۶۰۰۰ جلد کتاب در کتابخانه‌های عمومی نیاز داشته؛ اما این رقم به طور واقعی ۳۹۲۶۰۰۰ جلد بوده است، یعنی $\frac{1}{۳۸}$ یا $\frac{۳}{۶}$ درصد رقم مطلوب استاندارد. در عین حال در کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر سوئد، دانمارک، و فنلاند این رقم به ترتیب $\frac{۵}{۶}$ ، $\frac{۶}{۷}$ ، و ۷ جلد به ازای هر نفر است.

۳. پایین بودن تعداد اسناد سمعی و بصری در کتابخانه‌های عمومی صرفه‌جویی در فضای کتابخانه‌ها و وقت خوانندگان و سرعت دسترسی به اطلاعات از مهمترین آثار استفاده از اسناد سمعی و

۵. پایین بودن تعداد مراجعان واقعی به کتابخانه‌های عمومی

اگر چه رقم تعداد کل مراجعان به کتابخانه‌های عمومی در ایران، رقم قابل توجهی است و نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۶، تعداد ۷۰۶۲۱۰۳ نفر (یعنی ۱۳۸ نفر از هر هزار نفر، با محاسبه درصد با سواد) ۲۲۸ نفر از هر هزار نفر) به کتابخانه‌های عمومی مراجعه کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد این رقم را باید رقم مراجعان غیرواقعی دانست. تمامی کسانی را که به کتابخانه عمومی می‌آیند نمی‌توان جزء مراجعان واقعی دانست؛ چرا که این افراد در صورتی می‌توانند به عنوان مراجعه کننده محسوب گردند که از امکانات موجود در کتابخانه اعم از کتاب، نشریه، روزنامه، ... استفاده کنند؛ زیرا هدف کتابخانه عمومی ارائه خدمات مرجع و کتابشناختی به مراجعان است و الا اگر قرار باشد که فقط از سالن مطالعه کتابخانه استفاده شود، نیازی به گردآوری، رده‌بندی، سازماندهی و ارائه مواد چاپی و غیرچاپی در کتابخانه‌های عمومی نیست و فقط یک سالن مطالعه با تعدادی میز و صندلی کفایت می‌کرد. مشکل مذکور را شاید بتوان به سایر کشورهای در حال توسعه نیز تعمیم داد؛ چرا که رقم تعداد مراجعان در هر هزار نفر در مکزیک ۴۶۷ و در کره جنوبی ۵۹۰ نفر

۴. پایین بودن تعداد افزایش سالیانه کتاب در هر سال به طور میانگین به ازای هر صد هزار نفر ایرانی فقط ۳/۱ جلد کتاب به ذخیره کتابخانه‌های عمومی کشور اضافه می‌گردد؛ یعنی رقمی در حدود ۱۷۰۰۰۰ جلد در یک سال؛ اما در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب ۱۷ و ۱۶۸ جلد کتاب به ازای هر هزار نفر به کتابخانه‌های عمومی این کشورها افزوده می‌گردد. رقم افزایش سالیانه کتاب در هنگ کنگ ۴۹۲۰۲۱ جلد، در ترکیه ۳۷۴۴۴۵ جلد، در سوئد ۲۳۳۵۰۰۰ جلد، و در انگلستان ۱۳۶۹۷۰۰۰ جلد است. به عبارت واضحتر، رقم تعداد کل افزایش سالیانه کتاب در هنگ کنگ ۲/۹ برابر، در مکزیک ۵/۶ برابر، در سوئد ۱۳/۷ برابر، و در انگلستان ۸۱ برابر میزان موجود در ایران است.

با یک محاسبه ساده می‌توان گفت که با روند فعلی افزایش سالیانه کتاب در ایران، رسیدن تعداد کتب موجود در کتابخانه‌های عمومی ایران به سطح کتابهای موجود در کتابخانه‌های عمومی ترکیه و انگلستان، به ترتیب نیازمند ۲۰ و ۸۹۸ سال زمان است. البته این در صورتی است که این کشورها هیچ گونه افزایشی در تعداد کتابهای خود ندهند و ثابت بمانند.

نباشد کمتر نیست و بدین سبب، کتابخانه‌های عمومی را برای پاسخگویی به نیازهایشان بر می‌گزینند.

۶. پایین بودن تعداد کتب به امانت داده شده اصولاً میزان مراجعه و استفاده مخاطبان از کتابخانه، معیار و ملاک مهمی برای ارزیابی کتابخانه محسوب می‌شود. برای سنجش میزان استفاده تعداد خوانندگان می‌توان از شاخصهای تعداد کتب به امانت گرفته شده توسط افراد جامعه و نیز تعداد کتب به امانت داده شده به ازای هر هزار نفر سود جست. بررسی این دو شاخص نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۸، تعداد ۶۴۲۰۱۱۱ جلد کتاب (یا ۶۴۲۰۱۱۱ بار و نفر) از کتابخانه‌های عمومی کشور به امانت رفته است؛ یعنی به ازای هر هزار ایرانی ۱۱۸/۴ جلد کتاب (هر نفر ۱۱۸/۰ جلد). این در حالی است که میانگین تعداد کتب به امانت گرفته شده توسط هر هزار نفر در کشورهای در حال توسعه ۴۴۵/۷ جلد و در کشورهای توسعه یافته ۶۱۰۴ جلد است. به عبارت دیگر، رقم تعداد کتب به امانت گرفته شده توسط هر هزار نفر (یا هر نفر) در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته ۳/۷ برابر، و ۵/۱ برابر رقم موجود در ایران است. به تعبیری دقیقتر، هر فرد در کشورهای در حال توسعه و توسعه

است. این در حالی است که از هر هزار ژاپنی و آلمانی ۱۰۰ نفر، از هر هزار اسپانیایی ۱۷۸ نفر و از هر هزار فنلاندی ۴۷۵ نفر به کتابخانه‌های عمومی مراجعه می‌کنند.^۵ البته نظر به بالا بودن سطح امکانات در کشورهای توسعه یافته که بهره‌گیری افراد این کشورها را از تکنولوژی پیشرفته ارتباطات (نظیر کامپیوتر، بانکهای اطلاعاتی، اسناد سمعی - بصری...) تسهیل و ترغیب می‌کند، طبعاً باید تعداد مراجعه‌کنندگان مستقیم به کتابخانه‌های عمومی کاهش یابد؛ چرا که افراد این کشورها می‌توانند در صورت نیاز، با یکی از بانکهای اطلاعاتی موجود، در زمینه موضوع دلخواهشان مشترک گردند و در منزل، با فشار دادن دکمه‌های کامپیوتر اطلاعات مورد نیاز را به دست آورند یا با استفاده از تسهیلات پستی، کتاب یا نشریه مورد نیاز را در منزل خود دریافت دارند؛ اما در کشورهای در حال توسعه، امکانات مذکور برای افراد جامعه فراهم نیست یا کمتر فراهم است و از این رو، ناچار برای کسب اطلاعات مورد نیاز باید راهی کتابخانه‌ها گردند. به علاوه، جوانان کشورهای در حال توسعه، به عقب ماندگی علمی و فنی کشورهایشان واقف شده‌اند و انگیزه و هدف آنها برای مطالعه و کسب دانش جدید، از جوانان کشورهای توسعه یافته اگر بیشتر



این ارقام نشان می‌دهند که میزان استفاده واقعی هر فرد ایرانی از کتابخانه‌های عمومی کشورش $\frac{1}{28}$ این میزان در کشورهای توسعه یافته و $\frac{1}{4}$ میزان موجود در کشورهای در حال توسعه است.

۷. پایین بودن تعداد کتابداران متخصص

در مورد تعداد کتابداران در کتابخانه‌های عمومی، ۳ مشکل اساسی به چشم می‌خورد:

الف) کمبود نیروی انسانی (کتابدار متخصص و غیرمتخصص) در کتابخانه‌های عمومی: در سال ۱۳۶۸، ۹۷۶ نفر کتابدار در کتابخانه‌های عمومی کشور مشغول به فعالیت بوده‌اند؛ یعنی $\frac{1}{9}$ نفر برای هر کتابخانه. در حالی که طبق استاندارد ایفلا، برای هر کتابخانه ۴ کتابدار لازم است. در واقع، هر کدام از کتابخانه‌های عمومی کشور به طور میانگین $\frac{2}{1}$ نفر کمبود کتابدار داشته‌اند و در سطح کل کتابخانه‌ها این رقم ۱۰۲۸ نفر بوده است. «کمبود نیروی کتابدار موجب گردیده تا هم اینک سرایداران و مستخدمین به تصدی پست کتابداری در بعضی از کتابخانه‌های کشور گمارده شوند که این خود واقعیت تلخی در رابطه با ادامه حیات این مقوله حساس علمی و فرهنگی کشور است.^۷

یافته به ترتیب $\frac{3}{7}$ و $\frac{51}{5}$ برابر هر فرد ایرانی، از کتابخانه‌های عمومی کشورش، کتاب به امانت می‌گیرد.

نگاهی به رقم تعداد کل کتب به امانت گرفته شده نشان می‌دهد که این رقم در ترکیه ۲۶۹۶۴۲۷ جلد، در کویا ۶۵۷۱۰۰۰ جلد، در هنگ کنگ ۱۲۸۶۰۰۰۰ جلد، در مکزیک ۷۸۲۸۰۰۰۰ جلد، در دانمارک ۴۵۷۰۱۱۰۵ جلد، در کانادا ۱۷۶۱۸۴۸۵۷ جلد، در انگلستان ۵۶۴۵۲۵۰۰۰ جلد و در شوروی سابق ۲۷۷۹۰۰۰۰۰۰ جلد بوده است.^۶ به عبارت دیگر، به ازای هر هزار نفر در ترکیه $\frac{47}{5}$ جلد، در کویا $\frac{606}{6}$ جلد، در هنگ کنگ ۲۲۶۷ جلد، در دانمارک ۱۵۲۵۳ جلد، در فنلاند ۱۷۲۷۱ جلد، در کانادا ۶۷۱۹ جلد، و در شوروی سابق ۹۶۶۲ جلد کتاب بوده است. به طور کلی می‌توان گفت: رقم تعداد کل کتب به امانت گرفته شده در هنگ کنگ ۲ برابر، در مکزیک $\frac{7}{1}$ برابر، در آلمان غربی $\frac{34}{2}$ برابر، در انگلستان $\frac{87}{9}$ برابر و در شوروی سابق ۴۳۳ برابر ایران است. به همین نحو رقم تعداد کتب به امانت گرفته شده توسط هزار نفر (یا هر نفر) در مکزیک $\frac{4}{6}$ برابر، در کویا $\frac{5}{1}$ برابر، در هنگ کنگ $\frac{19}{1}$ برابر، در انگلستان $\frac{83}{3}$ برابر، در هلند $\frac{98}{4}$ برابر، در دانمارک $\frac{128}{8}$ برابر، و در فنلاند $\frac{145}{9}$ برابر ایران بوده است.

جدول ۱ بررسی و مقایسه وضعیت شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی ایران با میانگین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته جهان طی سالهای ۱۳۶۶-۸۹ تا ۱۹۸۷

وضعیت ایران - نسبت به کشورهای توسعه یافته	وضعیت ایران نسبت به کشورهای در حال توسعه	وضعیت کشورهای در حال توسعه	میانگین کشورهای توسعه یافته	میانگین کشورهای در حال توسعه	ایران	شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی مناطق	
						کتابخانه‌های عمومی	کتاب موجود
%۳/۶	%۱۳۴	%۲/۷	۱۳۹۸۷	۳۷۳	۵۰۱	تعداد کل به ازای هر صد هزار نفر	کتابخانه‌های عمومی
%۲/۶	%۶۰	%۴/۳	۳۵	۱/۵	۰/۹	تعداد کل به ازای هر هزار نفر	کتاب موجود
%۸/۵	%۲۲۵	%۳/۸	۴۵۷۴۶۶۶	۱۷۴۷۸۴۲	۳۹۲۶۰۰۰	تعداد کل به ازای هر هزار نفر	استاد سمعی و بصری
%۲/۳	%۳۷/۱	%۶/۳	۳۰۷۹	۱۹۴	۷۲	تعداد کل به ازای هر صد هزار نفر	افزایش سالیانه کتاب
%۰/۰۰۴	%۰/۳	%۱/۳	۱۸۷۷۸۱۷	۲۵۲۵۹	۷۹	تعداد کل به ازای هر صد هزار نفر	مراجعات ثبت شده
%۰/۰۰۱	%۰/۰۵	%۲/۳	۱۲۴۹۸	۲۸۸	۰/۱۵	تعداد کل به ازای هر هزار نفر	امانت به مراجعات
%۵/۹	%۱۴۳	%۴/۱	۲۸۷۵۵۰	۱۱۸۰۲۷	۱۶۹۳۳۲	تعداد کل در هر هزار نفر	درصد کتابداران متخصص
%۱/۸	%۱۸/۲	%۱۰/۱	۱۶۸	۱۷	۳/۱	تعداد کل به ازای هر هزار نفر	بودجه خرید مواد
%۵۵	%۳۰۹	%۱۷/۷	۱۳۸۸۷۰۰۵	۲۲۸۴۰۱۲	۷۰۶۲۱۰۳	تعداد کل به ازای هر هزار نفر	بودجه خرید مواد (به دلار) به ازای هر واحد کتابخانه عمومی
%۶۹/۷	%۸۶/۸	%۷۰/۶	۲۱۳	۱۵۹	۱۳۸	تعداد کل به ازای هر هزار نفر	میانگین کل شاخصها (با در نظر گرفتن شاخصهای تعداد کل مراجعات و تعداد مراجعات در هزار نفر)
%۵/۳	%۶۶/۸	%۷/۸	۱۲۲۱۵۲۱۶	۹۶۰۹۱۲۵	۶۴۲۰۱۱۱	تعداد کل به ازای هر هزار نفر	میانگین واقعی شاخصها (بدون در نظر گرفتن شاخصهای تعداد کل مراجعات و تعداد مراجعات در هزار نفر)
%۱/۹	%۲۶/۶	%۷/۳	۶۱۰۴	۴۴۵/۷	۱۱۸/۴	تعداد کل به ازای هر هزار نفر	
%۶/۸	%۱۲/۶	%۵۲/۶	۲۸	۱۵	۱/۹	درصد کتابداران متخصص	
%۰/۶۶	%۹۱	%۰/۷	۷۵۲۲۵۲۰۰	۵۴۸۳۹۷	۵۰۰۰۰۰	کل بودجه (به دلار) به ازای هر واحد کتابخانه عمومی	
%۳/۵	%۱۹/۵	%۱۷/۸	۲۴۱۸۵	۴۳۱۵	۸۴۰	تعداد کل به ازای هر واحد کتابخانه عمومی	
%۱۰/۸	%۸۱/۹	%۱۴/۳				میانگین کل شاخصها (با در نظر گرفتن شاخصهای تعداد کل مراجعات و تعداد مراجعات در هزار نفر)	
%۳/۲	%۶۴/۱	%۹/۴				میانگین واقعی شاخصها (بدون در نظر گرفتن شاخصهای تعداد کل مراجعات و تعداد مراجعات در هزار نفر)	



استاندارد ایفلا و وضعیت سایر کشورهای جهان اندک است، بلکه این تعداد اندک هم به طور نامساوی و ناعادلانه در کتابخانه‌های عمومی کشور توزیع شده‌اند؛ به طوری که از تعداد کل کتابداران متخصص در کتابخانه‌های عمومی کشور $3/33$ درصد در تهران، $6/16$ درصد در سمنان، $3/8$ درصد در آذربایجان غربی، $3/8$ درصد در مازندران و $3/8$ درصد نیز در کتابخانه‌های عمومی سایر استانهای کشور مشغول به فعالیتند.^۹

۸. پایین بودن بودجه خرید مواد در کتابخانه‌های عمومی

در حالی که در سال ۱۳۷۲، برای تمامی کتابخانه‌های عمومی، بودجه‌ای معادل ۵۰۰۰۰۰۰ دلار (۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) برای خرید کتاب در نظر گرفته شد (حدود ۸۴۰ دلار برای هر کتابخانه)، در سال ۱۳۶۸، کتابخانه‌های عمومی کشور ترکیه $106/2176$ دلار (۲۵۴۸ دلار برای هر کتابخانه)، هنگ کنگ 412951 دلار (۷۷۹۲ دلار برای هر کتابخانه)، سوئد 105465379 دلار (۵۳۴۰۰ دلار برای هر کتابخانه)، و انگلستان 311405892 دلار (۵۴۴۴۲ دلار برای هر کتابخانه) صرف خرید مواد (کتاب و نشریات، ...) برای کتابخانه‌های عمومی

(ب) کمبود کتابداران متخصص: در سال $1368/1989$ فقط $1/9$ درصد (۱۹ نفر) از کتابداران کتابخانه‌های عمومی کشور دارای مدرک کاردانی و کارشناسی کتابداری بوده‌اند، و ۹۸ درصد بقیه یا اصلاً تخصصی در زمینه کتابداری نداشته‌اند یا دوره‌های آموزشی کوتاه مدت را گذرانیده بودند. توزیع ۹۸ درصد بقیه بدین صورت بوده است: 138 نفر ($2/14$ درصد) دارای مدرک کاردانی و کارشناسی در رشته‌های غیر کتابداری، ۶۵۷ نفر ($3/67$ درصد) دیپلم، و ۱۵۷ نفر ($1/16$ درصد) زیر دیپلم.^۸ در حالی که طبق استانداردهای ایفلا باید حداقل 33 درصد از کارکنان اداری کتابخانه، متخصص کتابداری باشند.

بر طبق استاندارد فوق، کتابخانه‌های عمومی ایران در وضعیت فعلی خود به ۳۲۲ کتابدار متخصص نیاز دارند. با مقایسه وضعیت درصد کتابداران متخصص در ایران با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مشخص می‌گردد که این رقم به طور میانگین در کشورهای در حال توسعه ۱۵ درصد ($9/7$ برابر ایران) و در کشورهای توسعه یافته ۲۸ درصد ($7/14$ برابر ایران) است.

(ج) تمرکز کتابداران متخصص در چند شهر مهم کشور: نه فقط تعداد کتابداران متخصص در کتابخانه‌های عمومی در قیاس با

تومان به ۱۸۰۰۰۰۰۰۰ تومان افزایش یافته است؛ اما در مقایسه با استانداردهای جهانی، کتابخانه‌های عمومی ما هنوز هم سطح کمی و کیفی نازلی دارند.

۹. جمع‌بندی وضعیت شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی

چنان که در جدول شماره یک آمده است، شاخصهای کمی و بالاخص کیفی کتابخانه‌های عمومی ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه، وضعیت مطلوبی ندارد؛ بدین معنا که میانگین کل شاخصهای کمی و کیفی رقم ۱۱/۹ درصد را نسبت به میانگین کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد. به عبارت دیگر از لحاظ شاخصهای مورد بررسی در جدول، امکانات و تسهیلات کتابخانه‌های عمومی ایران ۱۰/۸ درصد (یا $\frac{1}{9}$) کتابخانه‌های عمومی کشورهای توسعه یافته است. این رقم حتی از رقم میانگین کل شاخصهای کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته یعنی ۱۰/۸ (یا $\frac{1}{9}$) نیز کمتر است؛ چرا که رقم کل شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی ایران ۸۱/۹ رقم میانگین کل شاخصهای کشورهای در حال توسعه است.

ذکر چند توضیح، مکمل جدول مذکور

کرده‌اند. به عبارت دیگر، رقم میانگین بودجه مواد در هر یک از کتابخانه‌های عمومی ترکیه ۳ برابر، هنگ کنگ ۹/۳ برابر، سوئد ۶۳/۵ برابر، و انگلستان ۶۵ برابر رقم موجود در ایران بوده است. به تعبیری واضحتر، فقط ۹ کتابخانه عمومی کشور انگلستان بودجه‌ای معادل کل بودجه خرید مواد کتابخانه‌های عمومی ایران را دارند. بودجه خرید مواد به ازای هر کتابخانه عمومی در ایران به ترتیب ۱۹/۵ و ۳/۵ درصد این رقم در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است.

طی سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۴، جمعیت شاغل به تحصیل در سطح ابتدایی تا عالی به طور میانگین ۷۶ درصد رشد مثبت داشته، در حالی که تعداد کتابخانه‌های عمومی ۴۳ درصد رشد مثبت داشته است؛ ولی سایر موارد دارای رشد منفی بوده است. برای مثال، در دهه مذکور، اعتبار مصرفی برای خرید مواد ۲۴ درصد، تعداد عناوین خریداری شده ۵۳ درصد، متوسط اعتبار سالانه برای هر کتابخانه ۴۷ درصد و متوسط سالانه سهمیه کتاب برای هر کتابخانه ۶۴ درصد رشد منفی داشته‌اند.^{۱۰} البته از سال ۱۳۶۴ تا کنون اقدامات مهم و مثبتی در زمینه تجهیز کتابخانه‌های عمومی انجام شده است. برای نمونه بودجه خرید مواد از ۲۲۷۰۰۰۰



خواهد بود. اول اینکه رقم میانگین کل شاخصها که در سطر آخر جدول آمده، رقم واقعی نیست بلکه از تراکم و بزرگ بودن رقم مربوط به شاخص تعداد مراجعان به دست آمده است و چنان که در صفحات قبلی توضیح دادیم، نمی‌توان به این ارقام اطمینان کامل داشت. در صورتی که رقم تعداد مراجعان را از شاخصهای مورد بررسی در جدول شماره یک کم کنیم، رقم واقعی میانگین کل شاخصها به دست می‌آید. با محاسبه این رقم می‌بینیم که رقم میانگین شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی در ایران به ترتیب ۶۴/۱ درصد و ۳/۲ درصد رقم موجود در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است. همچنین با حذف رقم مربوط به تعداد مراجعان، رقم واقعی میانگین شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی در کشورهای در حال توسعه، ۹/۴ درصد این رقم در کشورهای توسعه یافته است.

باید افزود که رقم واقعی میانگین شاخصهای کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی را می‌توان شاخص کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی دانست. بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی ایران به ترتیب

۶۴/۱ درصد و ۳/۲ درصد کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است.

نکته دیگر لزوم جدا کردن شاخصهای کمی از شاخصهای کیفی کتابخانه‌های عمومی است. به عبارت واضحتر یک رقم کل وقتی معنا پیدا می‌کند که توزیع آن را در بین استفاده‌کنندگان و جامعه آماری موجود مشخص کنیم. برای مثال، دانستن تعداد کل کتب موجود در کتابخانه‌های عمومی یا تعداد کل کتابخانه‌های عمومی، برای تجزیه و تحلیل وضعیت کتابخانه‌ها، کارایی دقیق و مفیدی نخواهند داشت، مگر آنکه این تعداد کل را بر جمعیتی که از خدمات مذکور، یعنی تعداد کتابخانه‌ها و تعداد کتب استفاده می‌کنند، تقسیم کنیم؛ زیرا ممکن است در کشور «الف» به رغم جمعیت زیاد، تعداد کل کتابخانه‌ها یا کتب موجود بیشتر از کشور «ب» که دارای جمعیت کمتری است باشد. این موضوع درباره سایر شاخصهای مورد بررسی نیز مصداق دارد. به این سبب، برای دقیقتر شدن رقم واقعی میانگین کل شاخصها، شاخصهای کمی را از شاخصهای کیفی جدا می‌کنیم تا رقم خالصتری از کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی به دست آید.

وضعیت کشورهای		وضعیت ایران نسبت	وضعیت ایران نسبت
در حال توسعه نسبت		به کشورهای در حال	به کشورهای توسعه
به کشورهای توسعه یافته		توسعه	یافته
کمی	کلی	%۵/۴	%۱۱/۳
میانگین	واقعی	%۳/۴	%۴
کل	کیفی	%۲۲	%۱۰/۴
شاخصها	واقعی	%۱۴/۵	%۲/۷
	کمی و	%۱۴/۳	%۱۰/۸
	کیفی	%۹/۴	%۳/۲

جدول ۲

دلالتهای دارد. برخی از مهمترین این شاخصها عبارتند از: تعداد کل سرانه عناوین و تیراژ روزنامه‌ها و مجلات، تعداد کل سرانه عناوین و تیراژ کتب منتشر شده در یک سال، میزان کل و سرانه مصرف کاغذ روزنامه و چاپ و تحریر، تعداد کل و سرانه کتب موجود در کتابخانه‌های عمومی، ملی، دانشگاهی، تخصصی، ... و تعداد کل و سرانه گیرنده‌های رادیویی، تلویزیونی و... در ادامه مطالب، به بررسی برخی از مهمترین شاخصهای فوق در ایران و سایر کشورهای جهان می‌پردازیم.

۱. تعداد کل و سرانه عنوان و تیراژ روزنامه‌ها

در سال ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰ در کل جهان ۹۹۲۰ عنوان روزنامه انتشار یافته که از این تعداد ۴۴۲۰ عنوان (۴۷/۹ درصد) در کشورهای توسعه یافته (با دارا بودن ۲۳/۱ درصد از

با جدا کردن شاخصهای کمی (تعداد کل کتابخانه‌ها، تعداد کل کتب موجود، تعداد کل اسناد سمعی و بصری، تعداد کل افزایش سالیانه کتاب، کل بودجه خرید مواد) از شاخصهای کیفی (تعداد کتابخانه‌ها به ازای هر صد هزار نفر، تعداد کتب موجود به ازای هر هزار نفر، تعداد اسناد سمعی و بصری به ازای هر هزار نفر، تعداد افزایش سالیانه کتاب به ازای هر هزار نفر، درصد کتابداران متخصص، و بودجه خرید مواد به ازای هر کتابخانه)، ارقام مذکور در جدول شماره یک به شرح جدول ۲ تغییر می‌یابد:

دوم: بررسی شاخصهای توسعه فرهنگی ایران و سایر کشورها
توسعه فرهنگی بر بالا بودن مقادیر مربوط به شاخصهای کمی و کیفی فرهنگ یک جامعه

کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب ۴۴ نسخه (۱۳ درصد کشورهای توسعه یافته) و ۳۳۳ نسخه روزنامه منتشر گردیده است.

در سال ۱۳۶۹ به طور روزانه، ۱۲۰۱۰۰۰ نسخه روزنامه در ایران منتشر شده است^{۱۳} که میانگین تیراژ هر روزنامه ۴۲۸۹۲ نسخه (۴۶ درصد کشورهای توسعه یافته) و سهم هر ایرانی ۲۱ نسخه روزنامه در روز بوده است. به عبارت واضحتر رقم تیراژ روزنامه به ازای هر هزار نفر در ایران ۱۸/۵ درصد رقم میانگین کشورهای در حال توسعه، و ۶/۳ درصد رقم میانگین کشورهای توسعه یافته بوده است؛ در حالی که تیراژ روزنامه به ازای هر هزار ایرانی فقط ۲۱ نسخه است، این رقم در کویت ۲۲۳، در کره جنوبی ۲۶۵، در ژاپن ۵۸۴، و در فنلاند ۶۶۷ نسخه است.^{۱۴}

۲. تعداد کل و سرانه عنوان و تیراژ مجلات و نشریات ادواری

در سال ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰، تعداد ۳۱۸ عنوان مجله و نشریه ادواری با تیراژی معادل ۶۱۶۶۰۰۰ نسخه در ایران منتشر شده است؛ یعنی به ازای هر یک میلیون ایرانی ۵/۶ عنوان و به ازای هر هزار ایرانی ۱۱۳ نسخه مجله و نشریه ادواری. این در حالی است که

جمعیت جهان) منتشر شده و سهم کشورهای در حال توسعه با ۷۶/۹ درصد از جمعیت جهان، ۴۸۰۰ عنوان (۵۲/۱ درصد) بوده است (۳۳ درصد کشورهای توسعه یافته). بدین ترتیب به طور میانگین در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ازای هر یک میلیون نفر به ترتیب ۱/۲ و ۳/۶ عنوان روزنامه منتشر شده است.^{۱۱} طی همین سال در ایران ۲۸ عنوان روزنامه منتشر شده است، یعنی سهم هر یک میلیون ایرانی ۵/۰ عنوان روزنامه بوده که از رقم میانگین کشورهای در حال توسعه نیز پایینتر بوده است. این در حالی است که تعداد عناوین برای یک میلیون نفر در ترکیه ۱۳/۲ برابر و در سوئد ۴۱ برابر ایران است.

از سوی دیگر، در سال ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰، ۹۹۲۰ عنوان روزنامه در کل جهان دارای ۵۸۶ میلیون نسخه تیراژ بوده‌اند (میانگین تیراژ هر روزنامه ۵۹۰۷۲ نسخه)، که از این میزان؛ سهم کشورهای توسعه یافته ۴۰۷ میلیون نسخه (۶۹/۵ درصد) بوده و ۱۷۹ میلیون نسخه (۳۰/۵ درصد) نیز در کشورهای در حال توسعه منتشر شده است.^{۱۲} به عبارت دیگر، تیراژ متوسط هر روزنامه در کشورهای توسعه یافته ۹۲۰۸۱ نسخه و در کشورهای در حال توسعه ۳۹۲۹۲ نسخه بوده است. به همین نحو به ازای هر هزار نفر در

عنوان و در آلمان غربی ۶۵۹۸۰ عنوان کتاب منتشر شده که به ازای هر یک میلیون تایلندی گره‌ای و آلمانی به ترتیب ۲۰۲ عنوان (۱/۷ برابر ایران)، ۹۲۷ عنوان (۸ برابر ایران)، و ۱۰۶۴ عنوان (۹/۲ برابر ایران) کتاب منتشر گردیده است.^{۱۶}

همچنین در سال ۱۳۶۸ / ۱۹۸۹، در ایران ۳۱۵۶۵۰۰۰ جلد کتاب به چاپ رسیده که سهم هر هزار ایرانی از آن، ۵۸۲ جلد بوده است؛ در حالی که در همین سال در کره جنوبی، چین و شوروی سابق به ترتیب ۱۹۳۱۳۸۰۰۰ (۶/۱ برابر ایران) و ۵۸۶۴۴۲۰۰۰ (۱۸۶ برابر ایران) و ۲۲۵۱۴۴۹۰۰۰ (۷۲ برابر ایران) جلد کتاب منتشر شده است. به عبارت دیگر برای هر هزار نفر گره‌ای ۴۵۵۷ (۷/۸ برابر ایران) هر هزار نفر چینی ۵۲۲۵ (۹ برابر ایران)، و هر هزار نفر از اهالی شوروی سابق ۷۸۲۷ جلد (۱۳/۴ برابر ایران) کتاب انتشار یافته است.^{۱۷}

۴. میزان مصرف کاغذ روزنامه

در سال ۱۳۶۷ / ۱۹۸۸، در ایران ده هزار تن کاغذ روزنامه مصرف شده که سهم هر هزار ایرانی ۱۹۰ کیلوگرم بوده است؛ در حالی که در همین سال در امریکا ۱۲۸۳۳۶۰۰ تن (۱۲۸۳ برابر ایران) کاغذ روزنامه به مصرف

رقم تعداد عنوان برای یک میلیون نفر در چک و اسلواکی ۱۵۶/۸ (۲۸ برابر ایران) و در آلمان غربی ۱۲۸/۸ (۲۳ برابر ایران) بوده است. همچنین رقم تیراژ به ازای هر هزار نفر در مکزیک ۳۲۰ نسخه (۲/۸ برابر ایران) در امارت متحده عربی ۶۳۱ نسخه (۵/۶ برابر ایران)، در آلمان غربی ۵۰۴۹ نسخه (۴۴/۷ برابر ایران) و در شوروی سابق ۱۷۸۰۰ نسخه (۱۵/۷ برابر ایران) بوده است.^{۱۵}

۳. تعداد کل و سرانه عناوین تیراژ کتب منتشر شده

در سال ۱۳۶۸ / ۱۹۸۹، در کل جهان ۸۴۲۰۰۰ عنوان کتاب به چاپ رسیده که از این تعداد ۵۷۹۰۰۰ عنوان (۶۸/۸ درصد) در کشورهای توسعه یافته و ۲۶۳۰۰۰ عنوان (۳۱/۲ درصد) در کشورهای در حال توسعه چاپ و منتشر شده است. به عبارت دیگر به ازای هر یک میلیون نفر در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب ۴۷۸ عنوان و ۶۷ عنوان (۱۴ درصد کشورهای توسعه یافته) کتاب منتشر شده است. در همین سال در ایران ۶۲۸۹ عنوان کتاب به چاپ رسیده که سهم هر یک میلیون ایرانی ۱۱۶ عنوان کتاب (۲۴/۲ درصد کشورهای توسعه یافته) بوده است؛ اما در سایر کشورها از جمله در تایلند ۱۱۲۱۷ عنوان، در کره جنوبی ۳۹۲۶۷

برابر ایران)، در ژاپن ۸۱/۷ (۵ برابر ایران)، در سنگاپور ۳۱ (۱/۹ برابر ایران)، و در شیلی ۲۱/۸ جلد (۱/۳ برابر ایران) بوده است.^{۲۰}

۶. گیرنده‌های رادیویی

در سال ۱۳۶۴ / ۱۹۸۵، به ازای هر هزار نفر در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ترتیب ۹۱۱، و ۱۴۲ دستگاه (۱۵/۶ درصد کشورهای توسعه یافته) گیرنده رادیویی وجود داشت. در سال ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰، در ایران ۱۳۵۰۰۰۰۰ دستگاه گیرنده رادیویی فعال بوده است؛ یعنی به ازای هر هزار ایرانی ۲۴۷ دستگاه. این در حالی است که در همین سال در آمریکا ۵۲۹ میلیون دستگاه گیرنده رادیویی (۳۹/۲ برابر ایران) به فعالیت مشغول بوده‌اند که سهم هر هزار آمریکایی ۲۱۲۳ دستگاه گیرنده رادیویی (هر نفر ۲/۱ دستگاه = ۸/۶ برابر ایران) بوده است. همچنین رقم تعداد گیرنده‌های رادیویی به ازای هزار نفر نشان می‌دهد که در دانمارک ۱۴۶۰ (۵/۹ برابر ایران)، در کره جنوبی ۱۰۰۶ (۴/۱ برابر ایران) و در آرژانتین ۶۸۱ دستگاه (۲/۷ برابر ایران) گیرنده رادیویی مشغول به کار بوده‌اند.^{۲۱}

رسیده است که سهم هر هزار آمریکایی ۵۲۳۸۱ کیلوگرم بوده است.^{۱۸} همچنین رقم کل مصرف کاغذ روزنامه در ژاپن ۳۳۴ برابر، در انگلستان ۱۹۲ برابر، در مکزیک ۴۵ برابر، در کره جنوبی ۳۵/۱ برابر و در عراق ۳/۴ برابر ایران بوده است و نیز رقم مصرف کاغذ روزنامه به ازای هر هزار نفر در انگلستان ۱۷۷ برابر، در ژاپن ۱۴۳ برابر، در کره جنوبی ۴۳/۳ برابر، و در عراق ۱۰/۱ برابر ایران بوده است.

۵. کتابخانه‌های دانشگاهی

در سال ۱۳۶۸ / ۱۹۸۹، در کتابخانه‌های دانشگاهی ایران ۴۶۵۴۰۰۰ جلد کتاب موجود بوده است؛ یعنی به ازای هر دانشجو ۱۶/۵ جلد کتاب.^{۱۹} در حالی که در سال ۱۳۶۷ / ۱۹۸۸، در کتابخانه‌های دانشگاهی آمریکا ۷۱۸۵۰۳۰۰۰ جلد (۱۵۴ برابر ایران) کتاب ذخیره شده بود؛ یعنی ۵۴/۸ جلد به ازای هر دانشجو (۳/۳ برابر ایران). به همین نحو، رقم تعداد کل کتب موجود در کتابخانه‌های دانشگاهی در ژاپن ۲۰۵۲۳۷۰۰۰ (۴۴/۱ برابر ایران)، در کره جنوبی، ۲۷۵۷۱۰۰۰ (۵/۹ برابر ایران) و در برزیل ۸۵۷۰۰۰۰ جلد (۱/۸ برابر ایران) بوده است. همچنین رقم تعداد کتاب به ازای هر دانشجو در سوئیس ۱۰۵ (۶/۴

۷. گیرنده‌های تلویزیونی

در سال ۱۳۶۱ / ۱۹۸۲، در کشورهای توسعه یافته به ازای هر هزار نفر ۴۴۷ دستگاه گیرنده تلویزیونی وجود داشت. در حالی که این رقم در کشورهای در حال توسعه ۳۶ دستگاه بود (۸ درصد کشورهای توسعه یافته). نگاهی به آمار موجود در سال ۱۳۶۹ / ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که در ایران ۳۸۰۰۰۰۰ دستگاه گیرنده تلویزیونی فعال بوده است که از این مقدار، سهم هر هزار ایرانی ۷۰ دستگاه بوده است. طی همین سال در امریکا ۲۰۳۰۰۰۰۰۰ دستگاه گیرنده تلویزیونی (۵۳/۴ برابر ایران) موجود بوده است؛ یعنی به ازای هر هزار امریکایی ۸۱۵ دستگاه (۱۱/۶ برابر ایران). رقم تعداد کل گیرنده‌های تلویزیونی در آلمان غربی ۵۶۱۹۴۰۰۰ (۱۴/۷ برابر ایران)، در کره جنوبی ۱۷۰۰۰۰۰۰ (۴/۵ برابر ایران)، و در ترکیه ۱۶۷۵۰۰۰۰ دستگاه (۴/۴۱ برابر ایران) بوده که به این ترتیب، سهم هر هزار آلمانی، کره‌ای و ترکیه‌ای، به ترتیب ۹۱۷ (۱۳/۱ برابر ایران)، ۳۹۰ (۵/۶ برابر ایران)، و ۳۴۰ (۴/۸ برابر ایران) بوده است.^{۲۲}

به تعبیری دیگر می‌توان گفت اگر در امریکا، دانمارک و آلمان غربی هر خانوار ۴ نفری ۳/۵ دستگاه گیرنده تلویزیونی در

اختیار دارند (تقریباً یک دستگاه برای هر نفر)، در ایران هر ۳ خانوار ۵ نفری (۱۵ نفر) فقط از یک دستگاه گیرنده تلویزیونی استفاده می‌کنند.

به طور کلی، مقادیر کمی و کیفی شاخصهای فرهنگی در ایران (روزنامه‌ها، مجلات، انتشار کتاب، میزان مصرف کاغذ روزنامه و چاپ و تحریر، کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی، و گیرنده‌های رادیویی و تلویزیونی) ۷/۷ درصد (۱۳) مقدار کمی و کیفی شاخصهای فرهنگی در کشورهای توسعه یافته است.

سوم: بررسی همبستگی و همخوانی بین کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی و توسعه فرهنگی

برای انجام دادن این بررسی، با استفاده از آزمون ضریب همبستگی به سنجش میزان ارتباط و همبستگی بین توسعه فرهنگی و کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی می‌پردازیم. بدین منظور، میزان توسعه فرهنگی را متغیر مستقل (X) و میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی را متغیر وابسته (Y) در نظر گرفته‌ایم.

جدول ۳ نشان دهنده امتیاز میزان توسعه فرهنگی و نیز امتیاز کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی چند کشور توسعه یافته



و در حال توسعه است. امتیازهای مذکور بدین صورت محاسبه شده که به کشوری که از لحاظ هر یک از شاخصهای مورد بررسی در حیطه شاخصهای توسعه فرهنگی (مطبوعات، انتشار کتاب، کاغذ روزنامه و رادیو و تلویزیون) و شاخصهای کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی (تعداد کل و سرانه کتابخانه‌ها، تعداد کل و سرانه کتب و افزایش سالیانه) بالاترین مقدار را به خود اختصاص داده بود، امتیاز ۱۰۰ داده شد و سایر کشورها نسبت به این مقدار از بیشترین تا کمترین مرتب شدند. میانگین امتیازات تعلق گرفته به هر کشور بر حسب شاخصهای مورد بررسی، به عنوان توسعه فرهنگی و امتیاز کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی، در جدول ۳ منظور شده است.

برای بررسی میزان همبستگی بین دو متغیر مذکور، یعنی میزان توسعه فرهنگی (X) و میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی (Y)، دو فرض زیر را با سطح گویایی ۱ درصد (احتمال ۹۹ درصد) مطرح می‌کنیم:

- فرض صفر: ارتباط و همبستگی معناداری میان میزان توسعه فرهنگی و میزان کیفیت و

کارایی کتابخانه‌های عمومی وجود ندارد. - فرض یک: ارتباط و همبستگی معناداری میان میزان توسعه فرهنگی و میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی وجود دارد.

سپس به محاسبه ضریب آزمون همبستگی بر اساس فرمول زیر می‌پردازیم:

$$V = \frac{N \sum XY - (\sum X)(\sum Y)}{\sqrt{[N \sum X^2 - (\sum X)^2][N \sum Y^2 - (\sum Y)^2]}}$$

نتایج به دست آمده چنین است:

$$V = 0/95 \quad df = N - 2 = 11 - 2 = 9$$

جدول ۳ میزان همبستگی بین توسعه فرهنگی و کیفیت کارایی کتابخانه‌های عمومی ایران و چند کشور دیگر طی سالهای ۹۰-۱۹۸۸ با مراجعه به جدول ارزش بحرانی همبستگی، تحت درجه آزادی ۹ و سطح گویایی (معناداری) ۱ درصد، ارزش جدول را که عدد ۰/۷۳۴

است به دست می‌آوریم ($Rdf_1 = 0/734$). با مقایسه ارزش محاسبه شده ($r = 0/95$) با ارزش جدول همبستگی، داریم: $0/734 > 0/95$ ؛ یعنی همبستگی محاسبه شده بزرگتر از همبستگی جدول است. بدین ترتیب فرض صفر رد می‌شود و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین دو

رتبه	کشورها	امتیاز توسعه فرهنگی (X)	رتبه	امتیاز کتابخانه‌های عمومی (Y)
۱	فنلاند	۸۱/۷	۱	۵۶/۵
۲	دانمارک	۷۶/۵	۳	۴۱/۷
۳	سوئد	۷۰	۲	۴۳/۵
۴	آلمان غربی	۶۶	۵	۲۳/۷
۵	ژاپن	۴۷/۶	۴	۳۰/۹
۶	کره جنوبی	۲۷/۲	۶	۱۵/۳
۷	مکزیک	۱۰	۷	۱۰
۸	ترکیه	۹/۵	۸	۲/۷
۹	مالزی	۷/۱	۹	۶/۲
۱۰	ایران	۴/۳	۱۰	۳/۴
۱۱	نیجریه	۲/۴	۱۱	۲/۷

متغیر X و Y همبستگی و ارتباط شدید و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر،

هرچه میزان توسعه فرهنگی کشورها بالاتر باشد، میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی آنها بالاتر خواهد بود، و بالعکس. به

دیگر سخن، ۹۵ درصد از افزایش در

میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی

را افزایش در میزان توسعه فرهنگی تعیین

می‌کند. حال عدد ثابت A و ضریب

رگرسیون B را محاسبه می‌کنیم:

عدد ثابت A نشان می‌دهد که اگر متغیر

X مساوی صفر باشد، متغیر Y برابر با

۰/۸۵۴ واحد خواهد بود. همچنین ضریب

رگرسیون B بیانگر این نکته است که به ازای

هر واحد افزایش در میزان توسعه فرهنگی،

میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی

۰/۵۶۴۷ واحد افزایش خواهد یافت. به

امتیاز مطلوب کتابخانه‌های عمومی بر حسب ضریب رگرسیون است می‌رسیم. به همین ترتیب، برای تمامی کشورهای مذکور در جدول این عمل را انجام می‌دهیم و جدول ۴ را رسم می‌کنیم که در آن امتیاز موجود توسعه فرهنگی و کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی و نیز امتیاز مطلوب کتابخانه‌های عمومی بر حسب ضریب امتیاز توسعه فرهنگی در ضریب رگرسیون B آمده است.

تعبیری دیگر می‌توان با در دست داشتن امتیاز موجود میزان توسعه فرهنگی و ضرب کردن آن در ضریب رگرسیون B، میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی را پیش بینی کرد. برای مثال، امتیاز موجود میزان توسعه فرهنگی کشور فنلاند که در جدول مشخص شده برابر با $۸۱/۷$ است و اگر این رقم را در ضریب رگرسیون B ($۰/۵۶۴۷$) ضرب کنیم، به عدد $۴۶/۱$ که

جدول ۴ محاسبه امتیاز مطلوب کتابخانه‌های عمومی بر حسب ضریب امتیاز توسعه

فرهنگی (متغیر X) در ضریب رگرسیون (B)، در ایران و چند کشور دیگر

کشورها	امتیاز موجود توسعه فرهنگی	امتیاز موجود	ضرب در	ضریب رگرسیون B	امتیاز مطلوب کتابخانه‌های عمومی بر حسب توسعه فرهنگی و B	درصد امتیاز موجود نسبت به امتیاز مطلوب
فنلاند	۸۱/۷	۵۶/۵	x	۰/۵۶۴۷	۴۶/۱	۱۲۲/۵
دانمارک	۷۶/۵	۴۱/۷	x	»	۴۳/۲	۹۶/۵
سوئد	۷۰	۴۳/۵	x	»	۳۹/۵	۱۱۰
آلمان غربی	۶۶	۲۳/۷	x	»	۳۷/۳	۶۳/۵
ژاپن	۴۷/۶	۳۰/۹	x	»	۲۶/۹	۱۱۵
کره جنوبی	۲۷/۲	۱۵/۳	x	»	۱۵/۴	۹۹/۳
مکزیک	۱۰	۱۰	x	»	۵/۶	۱۷۸/۶
ترکیه	۹/۵	۲/۷	x	»	۵/۴	۵۰
مالزی	۷/۱	۶/۲	x	»	۴	۱۵۵
ایران	۴/۳	۳/۴	x	»	۲/۴	۱۴۱/۶
نیجریه	۲/۴	۲/۷	x	»	۱/۴	۱۹۲/۸

بزرگتر از این رقم در کشورهای توسعه یافته جدول ۳، واریانس (S^2)، یعنی ارقام مربوط به ستون ۵ جدول را محاسبه می‌کنیم. برای این کار، ارقام مربوط به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را از هم جدا می‌کنیم تا نتایج دقیقتری به دست آید.

واریانس مربوط به کشورهای توسعه یافته:

$$S^2 = \frac{\sum (X - \bar{X})^2}{N - 1}$$

$$S^2 = \frac{2166/2}{4} = 541/5$$

واریانس مربوط به کشورهای در حال توسعه:

$$S^2 = \frac{14176}{5} = 2835/2$$

یادآوری می‌شود که واریانس اندازه‌ای است که چگونگی پراکندگی نمره‌های یک توزیع را حول میانگین توصیف می‌کند. به عبارت دیگر، واریانس نشان می‌دهد که پراکندگی ارقام در دو جامعه آماری نسبت به میانگین به چه صورتی است. هر چه توزیع داده‌های یک متغیر به میانگین نزدیکتر باشد، واریانس آن، رقم کمتری را نشان خواهد داد و بالعکس. به عبارت دیگر، بالا بودن واریانس نشانگر ناهمگنی داده‌ها و اختلاف عناصر توزیع در دارا بودن میزان صفت خاص مورد بررسی است.

با این توضیح به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم. چنانکه ملاحظه می‌شود، واریانس ستون درصد امتیاز موجود نسبت به امتیاز مطلوب، در کشورهای در حال توسعه

بزرگتر از این رقم در کشورهای توسعه یافته جدول ۳، واریانس (S^2)، یعنی ارقام مربوط به ستون ۵ جدول را محاسبه می‌کنیم. برای این کار، ارقام مربوط به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را از هم جدا می‌کنیم تا نتایج دقیقتری به دست آید.

واریانس مربوط به کشورهای توسعه یافته:

$$S^2 = \frac{\sum (X - \bar{X})^2}{N - 1}$$

$$S^2 = \frac{2166/2}{4} = 541/5$$

واریانس مربوط به کشورهای در حال توسعه:

$$S^2 = \frac{14176}{5} = 2835/2$$

یادآوری می‌شود که واریانس اندازه‌ای

است که چگونگی پراکندگی نمره‌های یک توزیع را حول میانگین توصیف می‌کند. به عبارت دیگر، واریانس نشان می‌دهد که پراکندگی ارقام در دو جامعه آماری نسبت به میانگین به چه صورتی است. هر چه توزیع داده‌های یک متغیر به میانگین نزدیکتر باشد، واریانس آن، رقم کمتری را نشان خواهد داد و بالعکس. به عبارت دیگر، بالا بودن واریانس نشانگر ناهمگنی داده‌ها و اختلاف عناصر توزیع در دارا بودن میزان صفت خاص مورد بررسی است.

با این توضیح به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم. چنانکه ملاحظه می‌شود، واریانس ستون درصد امتیاز موجود نسبت به امتیاز مطلوب، در کشورهای در حال توسعه



نسبی) تقلیل خطا را در پیش بینی متغیر وابسته با استفاده از متغیر مستقل می‌رساند، استفاده می‌کنیم:

$$R^2 = \frac{RSS}{TSS} = \frac{RSS}{RSS + ESS}$$

$$R^2 = \frac{3294/1}{3644} = 0/90$$

این رقم نشان می‌دهد که با اطلاع داشتن از میزان توسعه فرهنگی، ۹۰ درصد در پیش بینی میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی تقلیل خطا خواهیم داشت. در واقع ۹۰ درصد از واریانس میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی به وسیله میزان توسعه فرهنگی تبیین می‌شود.

چهارم: نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

چنان که استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد، همبستگی و همخوانی شدیدی بین میزان توسعه فرهنگی (یعنی بالا بودن مقادیر مربوط به شاخصهای کمی و کیفی فرهنگ نظیر مطبوعات، کتاب، کتابخانه‌ها، رادیو، تلویزیون، و...) با میزان کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی وجود دارد؛ بدین معنا که اگر کشوری از لحاظ تعداد کل و سرانه روزنامه‌ها، مجلات، کتب، کتابخانه‌ها، رادیو، تلویزیون، و... در حد استاندارد و بالایی باشد، کتابخانه‌های عمومی آن کشور نیز از کیفیت و کارایی استاندارد بالایی برخوردار خواهند بود. این ارتباط را بین سایر بخشها و عناصر نیز می‌توان یافت که دال بر وجود همبستگی و

توسعه یافته شاخصهای فرهنگی مورد بررسی تقریباً به موازات همدیگر رشد می‌یابند. برای نمونه، میزان رشد و توسعه مطبوعات این کشورها تقریباً همسان و هماهنگ با میزان رشد و توسعه کتابخانه‌های عمومی یا انتشار کتاب است و در واقع توجهی نسبتاً مساوی به شاخصهای فرهنگی شده است؛ اما در کشورهای در حال توسعه، این نظم و هماهنگی کمتر به چشم می‌خورد و سیاستگذاران فرهنگی این کشورها به قیمت رشد و توسعه دادن یکی از شاخصهای توسعه فرهنگی - نظیر کتابخانه‌های عمومی - سایر شاخصهای توسعه فرهنگی را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهند. در حالی که از لحاظ منطقی و اصولی، رشد و توسعه عناصر، اجزاء، سازمانها، مؤسسات و نهادهای اجتماعی در هر جامعه باید به موازات هم باشد و همخوانی و همبستگی منظمی بین آنها وجود داشته باشد. البته هر چند این همخوانی در کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود، میزان و درجه آن کمتر از این میزان در کشورهای توسعه یافته است.

اگر بخواهیم میزان تعیین‌کنندگی متغیر مستقل (توسعه فرهنگی) را در تغییرات متغیر وابسته (کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی) بررسی کنیم؛ از سنجه R^2 که مقدار

کتابخانه‌های عمومی با کیفیت و مجهز و نیز شاخصهای فرهنگی متناسب و مطلوب هستند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که شرط و علت اصلی رشد و توسعه خدمات کتابخانه‌های عمومی و نیز سایر عناصر فرهنگی هر جامعه، رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی آن جامعه است. البته ما به دو جانبه بودن این ارتباط معتقدیم؛ به این معنا که همان طوری که عوامل اقتصادی - اجتماعی تعیین کننده رشد و توسعه عوامل و عناصر فرهنگی اند، عوامل و عناصر فرهنگی نیز در میزان و سطح توسعه اقتصادی اجتماعی به شدت مؤثرند. در یک برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی که طی آن دولت رفاه (ناظر به رفاه همگان (welfare state) با گسترش و بهبود امکانات و خدمات عمومی به ترفیع سطح کیفی آموزش، بهداشت، مسکن، و سایر نیازهای حیاتی افراد جامعه پرداخته، با رعایت اصول دموکراسی و برابری اجتماعی افراد جامعه، راه را برای بهره‌گیری بلا مانع افراد (از هر قشر و طبقه) از امکانات و خدمات کتابخانه‌های عمومی فراهم می‌کند، و به کتابخانه‌های عمومی به عنوان یک ثروت اجتماعی و نهاد جامعه پذیر و فرهنگ پذیر کننده افراد می‌نگرد و در راه گسترش خدمات و امکانات آنها از فراهم آوردن نیازهای مادی و معنویشان دریغ نمی‌ورزد، کتابخانه‌های عمومی جایگاه اصلی خود را در ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و توسعه فرهنگی کشور باز می‌یابند و کارکردهای

همخوانی بین تمامی عناصر و اجزای فرهنگ و به همین نحو بین کل فرهنگ و سایر بخشها و عناصر اجتماعی است. به این ترتیب، کتابخانه‌های عمومی می‌توانند با ارائه خدمات و امکانات مناسب، زمینه را برای پرورش افراد مستعد تألیف کتب و مقالات علمی و فرهنگی فراهم سازند و سبب افزایش عنوان و تیراژ مطبوعات و کتب گردند یا با ارائه اطلاعاتی در باب فوائد رسانه‌های صوتی و تصویری، مردم را به استفاده از رادیو و تلویزیون تشویق کنند. البته صرف وجود ارتباط و همبستگی بین دو پدیده را نمی‌توان به منزله رابطه علی (علت و معلولی) بین آن دو تلقی کرد. به عنوان مثال اگر بین A و B رابطه همبستگی و همخوانی وجود دارد، دقیقاً بدین معنا نیست که A علت وجودی B و یا معلول آن است؛ چرا که ممکن است پدیده‌ای به نام C به عنوان متغیر واسط (میانگیر) به عنوان معلول A و علت B عمل کند ($A \rightarrow C \rightarrow B$) یا اینکه هر دو پدیده A و B از پدیده سومی که علت هر دو آنهاست، متأثر شده باشند.

با بررسی آمار و ارقام، به وجود همبستگی میان بالا بودن میزان توسعه فرهنگی و کیفیت و کارایی کتابخانه‌های عمومی، با میزان و سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها پی‌می‌بریم. به عبارت دیگر، کشورهایی که از میزان توسعه اقتصادی اجتماعی مطلوبی برخوردارند (کشورهای توسعه یافته) عمدتاً دارای

توسعه کتابخانه‌های عمومی را ترسیم می‌کند. همچنین به طریق اولی در ارائه پیشنهادها و راه‌حلهای لازم برای بهبود کیفی و کمی کتابخانه‌های عمومی، باید از دو سطح مذکور به موضوع نگرست.

برای بهبود کمیّت و کیفیت کتابخانه‌های عمومی و فراهم آوردن امکانات و خدماتی که موجب بالا رفتن میزان استفاده مراجعان می‌شود و در نهایت به کارکرد محوله کتابخانه‌های عمومی عینیت می‌بخشد، تغییرات و تحولاتی در سطوح بیرونی و درونی لازم به نظر می‌رسد. این تغییرات و تحولات را می‌توان به صورت پیشنهادهای زیر ارائه کرد:

۱. افزودن بر کمیّت مجموعه مواد کتابخانه‌های عمومی (اعم از مواد چاپی و غیرچاپی)؛

۲. افزودن بر کیفیت مجموعه مواد کتابخانه‌های عمومی؛ یعنی فراهم آوردن اسناد و مدارکی که به روز بوده و نیازهای علمی و آموزشی دانش‌آموزان، دانشجویان و پژوهشگران را تأمین کند. فراهم کردن کتب، نشریات و سایر اسناد و مدارکی که قابل استفاده مراجعان قرار نگیرد، در واقع هدر دادن هزینه‌های اندک کتابخانه‌های عمومی است؛

۳. همگامی و همراهی رشد مجموعه مواد کتابخانه‌های عمومی با رشد جمعیت باسواد، دانش‌آموزان، دانشجویان، و پژوهشگران؛

محوّله را به خوبی انجام می‌دهند؛ اما مع الاسف این وضعیت در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران برقرار نیست. البته در تأثیر عوامل مؤثر بر ساخت و کارکرد کتابخانه‌ها از نقش عوامل درونی و ساختار داخلی خود کتابخانه‌ها هم نباید غافل ماند؛ هر چند که این عوامل درونی نیز در نهایت متأثر از شرایط اجتماعی کلی و عوامل بیرونی هستند. وضعیت ساختمان کتابخانه و تأسیسات و تجهیزات موجود در آنها، تعداد کتابداران متخصص، میزان بودجه خرید مواد و هزینه کلی هر کتابخانه در سال، و... از جمله عوامل درونی مؤثر بر کیفیت کتابخانه‌های عمومی هستند. بالا بودن مقادیر کمی در عوامل مذکور می‌تواند در ترفیع کیفی کتابخانه‌های عمومی مؤثر واقع شود. بدین ترتیب باید گفت که در پی جویی عوامل مؤثر بر کیفیت کتابخانه‌های عمومی به دو دسته عوامل بیرونی (اجتماعی و نهادی) و درونی (درون ساختار کتابخانه‌های عمومی) بر می‌خوریم که در نهایت عوامل درونی، نیز خود متأثر از عوامل اجتماعی و بیرونی هستند.

به همین نحو در پی جویی مشکلات مربوط به کتابخانه‌های عمومی باید از دو سطح به موضوع نگرست: یکی در سطح کلی اجتماعی که موانع و مشکلات رشد و توسعه بخش فرهنگ و اجزا و عناصر آن در این سطح تعیین می‌گردد و دیگری، در سطح داخلی و درونی که موانع و مشکلات رشد و

بیشتر دانشجویان در رشته کتابداری و اطلاع رسانی در مقاطع مختلف تحصیلی؛

۱۱. انجام دادن تبلیغات وسیع و دامنه دار توسط رادیو و تلویزیون و سایر رسانه های گروهی در باره اهمیت و قواید کتاب و کتابخوانی و تفهیم ضرورت آگاه بودن از رویدادهای جهانی و ملی به مردم (گسترش فرهنگ مطالعه و کتابخوانی)؛

۱۲. انجام دادن تمهیداتی برای ارج گذاری به پایگاه و منزلت مؤلفان، مترجمان و دست اندرکاران فعالیتهای چاپ و نشر، به منظور افزایش کیفیت متون کتب و نشریات که جاذبه های علمی و تفریحی برای خوانندگان داشته باشند؛

۱۳. ایجاد توازن و همگامی نسبی در رشد عناصر و اجزای فرهنگ کشور با تکیه بر توجه بیشتر به رشد اسناد و مدارک کتبی و نوشتاری نظیر مطبوعات و کتب؛

۱۴. ایجاد اصلاحات و تغییرات کلی در سطح ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، قانونی و... کشور که به فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهایتاً کیفیت و کارایی کتابخانه های عمومی و بالعکس منجر گردد. برخی از این اصلاحات و تغییرات عبارتند از: تفهیم ضرورت رسیدن به توسعه اقتصادی اجتماعی به مردم برای برانگیختن مشارکت آنان و بخش خصوصی در فرایند توسعه، بسط و گسترش فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی، پرورش انسانهایی نو که از طریق فرهنگ

۴. استفاده صحیح و بجا از نیروهای متخصص موجود در رشته کتابداری؛

۵. توزیع مناسب و منطقی نیروهای متخصص کتابداری در کتابخانه های عمومی کشور به ترتیب اولویتها و نیازها؛

۶. تدوین خط مشی و سیاست مشخص برای انجام دادن صحیح و متناسب شیوه های مجموعه سازی کتابخانه های عمومی (همکاری کتابداران متخصص در امر سفارش و خرید کتاب، و نیز ایجاد تناسب میان مجموعه مواد چاپی و غیرچاپی کتابخانه ها)؛

۷. استفاده کافی و مؤثر کتابخانه های عمومی از امکانات سایر کتابخانه ها، اعم از عمومی، دانشگاهی، ملی،... برای رفع نیازهای مراجعان (عضویت در سرویس ماندت بین کتابخانه ها)؛

۸. افزودن بر ظرفیت فیزیکی کتابخانه های عمومی (مساحت کل کتابخانه، فضای سالن مطالعه و مرجع، تعداد میز و صندلی، و...)

۹. تمرکززدایی امکانات و توزیع عادلانه متناسب کتب، نشریات، کتابداران متخصص و غیرمتخصص هزینه ها، و... در بین کتابخانه های عمومی کشور بر حسب عواملی نظیر تعداد جمعیت کل و با سواد، تعداد دانش آموزان و دانشجویان، و وضعیت محرومیت منطقه از لحاظ سایر امکانات ارتباطی؛

۱۰. ایجاد ظرفیتهای جدید برای پذیرش



پایه هویت فرهنگی، استفاده از نظرهای عالمانه و کارشناسانه متخصصان در تصمیم‌گیریها، بسط و گسترش کمی و کیفی شاخصهای توسعه فرهنگی، علمی، پژوهشی، آموزشی و...

به امید آن روز که ایران اسلامی بتواند با تقویت بنیه فرهنگی خود، الگوی مناسب علمی و فرهنگی برای تمامی ملل در حال توسعه جهان گردد.

مناسب توسعه، توان به پیش بردن فرایند توسعه را داشته باشند، برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تمرکززدایی امکانات جهت شکوفا کردن استعدادها و ظرفیتهای بالقوه مناطق محروم کشور؛ ایجاد ثبات و امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، به گونه‌ای که امکان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی فراهم گردد، اختصاص بودجه مناسب برای فعالیتهای علمی و فنی و رواج فرهنگ علم باوری در بین مسئولان و مردم، ایجاد علم درونزا و بر

پاورقیها

۱. دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور؛ شناسنامه کتابخانه‌های عمومی کشور: ۱۳۶۸، تهران، ۱۳۷۰.

2. *Statistical Yearbook; UNESCO, 1980-2.*

۳. دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور؛ شناسنامه کتابخانه‌های عمومی کشور: ۱۳۶۸؛ تهران ۱۳۷۰.

4. *Statistical Yearbook; UNESCO, 1989-92*

۵. همان.

6. *Statistical Yearbook; UNESCO, 1989-92.*

۷. غفوری روزبهانی، ناصر و سهیلا تاج‌محرابی؛ بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی ایران؛ مدیریت فرهنگ و هنر و تربیت بدنی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰، ص ۶۳.

۸. شناسنامه کتابخانه‌های عمومی کشور: ۱۳۶۸.

۹. امیرحسینی؛ مازیار؛ «ضرورت استفاده از کتابداران متخصص در مدیریت کتابخانه‌ها»، پیام کتابخانه‌ها؛ ۲، ش ۴، ص ۷۹.

۱۰. بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی ایران؛ ص ۵۹.

11. *Statistical Yearbook; UNESCO, 1989-92.*

12. *loc.cit.*

۱۳. ریاحی، محمد اسماعیل؛ «بررسی تطبیقی شاخصهای فرهنگی ایران با سایر کشورهای جهان»، روزنامه همشهری، مورخ

۸/۱۵، ۸/۱۸، ۸/۱۹، ۱۰/۱، ۱۰/۳، ۱۳۷۲ و همو؛ بررسی جامعه‌شناختی عملکرد کتابخانه‌های دانشگاهی در توسعه علمی

پژوهشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده جامعه شناسی، ۱۳۷۲.

۱۴. بررسی جامعه شناختی عملکرد کتابخانه های دانشگاهی در توسعه علمی پژوهشی.

15. *Statistical Yearbook; UNESCO, 1989-92.*

16. *loc. cit.*

17. *loc. cit.*

18. *loc. cit.*

۱۹. تعاونی (خالقی)، شیرین؛ راهنمای مراکز اسناد و کتابخانه تخصصی، اختصاصی و دانشگاهی؛ کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ویرایش دوم، ۱۳۷۰.

۲۰. بررسی جامعه شناختی عملکرد کتابخانه های دانشگاهی در توسعه علمی - پژوهشی.

21. *Statistical Yearbook; UNESCO, 1989-92.*

22. *loc. cit.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی